

Unit 17

تمدن

تمدن گروهی سازمان یافته از انسانها است که دارای فرهنگ و حکومت هستند. بیشتر تمدن های اولیه آمریکای مرکزی از سلاح های فلزی استفاده نمی کردند.

راحت

وقتی کاری راحت است ، انجام آن آسان است و کار زیادی نمی برد. اتوبوس راهی مناسب و راحت برای رسیدن به مدرسه است.

کنام

کنام یک فضای زندگی برای برخی از انواع حیوانات مانند شیرها است. شیر مادر نوزادان خود را در کنام رها کرد.

شب‌نم

شب‌نم قطرات آبی است که در طول شب در خارج از زمین تشکیل می شود. وقتی از خواب بیدار شدیم ، دیدیم که چمنها از شب‌نم پوشیده شده اند.

موثر

وقتی چیزی موثر باشد ، شدید یا بزرگ است. او تصمیم کوتاهی گرفت که موهای بلندش را کوتاه کند.

خارج شدن

خروج یعنی ترک. دانش آموزان از درب ورودی خارج شدند.

گله

گله به گروهی از حیوانات مانند پرندگان ، گوسفندان یا بزها گفته می شود. در کل گله یک گوسفند سیاه وجود داشت.

تا کردن

تا زدن یعنی خم شدن چیزی مثل کاغذ یا پارچه به طوری که فضای کمتری اشغال کند. کاغذ را جمع کردم و در جیبم گذاشتم.

درب

درب یک قسمت بالایی برای یک جعبه یا ظرف است که قابل جدا شدن است. درب جعبه را بلند کرد و حال او را فاش کرد.

پدیدار شدن

پدیدار شدن یعنی بسیار زیبا و اغلب ترسناک به نظر رسیدن. ابرهای شوم بر فراز مدرسه ظاهر شدند.

قوی

وقتی چیزی نیرومند باشد ، بزرگ و قوی است.

کشتی گیر توانا همه کسانی که با او روبرو شدند را ترساند.

قارچ

قارچ بالای آن گرد است. بعضی از آنها به عنوان غذا استفاده می شود. سوپ قارچ تازه ای در آن داشت.

بومی

وقتی چیزی بومی است ، منشا آن مکان یا منطقه خاصی است. آووکادو میوه های بومی مکزیک است.

سم

سم ماده خطرناکی است که باعث بیماری یا مرگ می شود. آنها برای خلاص شدن از شر موشهای خانگی خود از سم استفاده کردند.

نی

نی گیاهانی بلند و لاغر است که به صورت گروهی در مجاورت آب رشد می کند. خورشید در پشت نیزارهای ساحل دریاچه غروب کرد.

سپر

سپر کردن چیزی محافظت از آن است. او با عینک آفتابی چشمهایش را از خورشید محافظت کرد.

طوفانی

طوفانی چیزی را توصیف می کند که تحت تأثیر طوفان است. به دلیل طوفانی بودن هوا ، گلف بازان تصمیم گرفتند به خانه خود بروند.

تاب خوردن

تاب خوردن یعنی حرکت آرام از یک طرف به آن طرف. او در حالی که به موسیقی گوش می داد تکان می خورد.

شهری

وقتی چیزی شهری است ، مربوط به شهر است. مترو شکل مهمی از حمل و نقل شهری است.

به آب زدن

به آب زدن یعنی ورود به داخل آب یا عبور از آن است. کودک در ساحل در آب قرار گرفت.

کارا به اردو میرود

"کارا ، آیا دوست داری با خانواده من به اردو بروی؟" تریسی پرسید. کارا قبلاً هرگز اردو نرفته بود اما به هر حال تصمیم گرفت که برود. آخر هفته ، آنها با اتومبیل خود را به پارک استس رساندند. وقتی رسیدند ، کارا به اطراف نگاه کرد. او احساس بسیار دوری از تمدن کرد.

آنها پس از برپایی اردوگاه ، به پیاده روی پرداختند. پدر تریسی ، آقای گریوز ، گیاهان و حیوانات بومی را به آنها نشان داد. او گفت ، "بین ، این یک کنام روباه است. آیا آن دسته از قارچ ها را در کنار آن می بینید. آنها را لمس نکنید. آنها حاوی سم

هستند. "کارا حوصله اش سر رفته بود. او به طبیعت اهمیتی نمی داد.

همانطور که روز می گذشت ، به زودی ابرهای قدرتمندی در فاصله دور ظاهر می شدند. تریسی گفت: "به نظر می رسد هوا طوفانی است." "ما باید برگردیم." ناگهان باران بارید. آنها برای محافظت از خودشان در برابر باران از چتر استفاده کردند. در اردوگاه ، آنها برای شام ساندویچ سرد خوردند و به خواب رفتند.

تا صبح باران قطع شده بود. این یک تغییر شدید نسبت به آب و هوای روز قبل بود. آنها کیسه های خواب خود را جمع کرده و درون جعبه ای گذاشتند. تریسی درب آن را بست و به کارا گفت: "قول می دهم امروز سرگرم کننده خواهد بود!" کارا باورش نکرد. او زندگی راحت خود را در شهر از دست داد. او به سبک زندگی شهری عادت کرده بود.

بعد از صبحانه به پیاده روی رفتند. علفها پوشیده از شبنم بود و در زیر نور آفتاب می درخشید. سرانجام به دریاچه ای رسیدند. کارا و تریسی وارد آب شدند. نی ها در باد می لرزیدند و دسته ای از پرندگان به بالا پرواز می کردند. کارا احساس بسیار آرامی داشت.

آن شب آنها آتش زدند. آنها در حالی که آقای گریوز داستانهای ترسناکی تعریف می کرد در اطراف آن نشستند. کارا خیلی سرگرم شد. او متوجه شد که اردو زدن راهی خوب برای گذراندن وقت با هم برای دوستان است.

روز بعد وقت رفتن آنها بود. او هنگام بیرون آمدن از پارک احساس غم می کرد. او در ابتدا دوست نداشت از اردو زدن ، اما یاد گرفت که آخر هفته چقدر سرگرم کننده است.